

«الجارثم الدار» در سپهر اندیشه شهدای جهان وطن

غلامرضا بنی اسدی

نویسنده و روزنامه نگار



شهادت، گل سرخی است که فقط در کربلا می‌روید. اما کربلا، اما جغرافیای کربلا فقط به اندازه یک گوشه کوچک از خاک عراق نیست که در حوالی کوفه محدود شود. کربلا وسعتی به اندازه همه زمین دارد، به درازای عمر تکلیف محوری انسان. کربلا درون خود ماست که هر جا هم برویم با ما می‌آید. کربلا یک قطعه منجمد از خاک نیست، یک روح سیال است که هرگز از حرکت نمی‌ایستد. کربلا مثل عاشورا در تن زمین و زمان جاری است. به همین دلیل است که شهادت در همه جای گیتی شکوفا می‌شود و لاله‌ها و آله‌ها فرصت جلوه‌گری می‌یابند. یک روز در کربلا، شکوه زیبایی را چنان به تماشا می‌گذارند که هر چشمی را که توان دیدن هست با زینب بزرگ (س) هم آوا می‌شود که "ما رأیت الا جمیلاً".

بله شهادت زیباست و زیبایی آفرین. در هر گوشه جهان که تجلی کند چشم عشق را به دنبال خویش می‌کشاند. بله شهید هم زیباست، درست مثل شهادت. شهید هر کجا که زاده شود، هر کجا که بر مدار شهادت زندگی کند و هر جا که به شهادت برسد در وسعت سلام حضرت خداوند است در سپهر "وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا". سلام بر شهیدان، آنان که توحید را به شهادت برخاستند، به هجرت بلوغ ایمان را نشان دادند و در جهاد، با شهادت به خدا رسیدند. سلام خدا بر آنانی که تجسم "إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ... غُفُورٌ رَحِيمٌ" می‌شوند. سلام خدا بر شهیدانی که خطوط کج و معوج قراردادی که مرزها را مشخص می‌کند به خط و صراط مستقیم حضرت خداوندگار تعالی بخشیدند تا "مجاهد فی سبیل الله" باشند. آنانی که وقتی "اسلام ناب محمدی" به نظام در آمده در

ایران را آماج تیرها و موشک‌ها و بمب‌های کینه کافران دیدند، جان سپردند و از افغانستان و دیگر مناطق جهان خود را به ایران و جبهه‌ها رساندند تا حق دین را ادا کنند. و چه خوب هم "ادا" کردند تکلیف "جهاد" را.

در این ورق‌های نورانی، از حضور روحانی و قهرمانانه تنی چند از شهیدان جهان وطن افغانستانی سخن رفته است که هر کلامشان درسی است آموختنی. چنانکه هر نفس شان تسبیح گویای خدا و هر قدمشان گامی است که به سوی بهشت پیموده می‌شود. نگاه زلال و عارفانه شان، تعریف خویش بر اساس آموزه‌های اسلام، ارادتشان به حضرت امام (ره) به عنوان یک رهبر دینی واجب‌الاتباع، دانستن ایران به عنوان نماد خانه توحید که دفاع از مرزهای آن بر هر انسانی واجب است در کنار سخنان هوشمندانه و وصیت نامه‌های عارفانه و اشارت دادن خانواده و هموطنان خویش و همه مسلمانان به وضعیت ایران و اینکه نه تنها نباید در این شرایط از جمهوری اسلامی توقع داشت بلکه با همه توان باید به کمکش آمد و... منظومه‌ای از باز تولید نگاه ارتقایافته دینی را فرا دید می‌گذارد که امروز هم باید سر مشق همه مشق‌ها باشد. مشق‌هایی که نتیجه تحریر آن "حریت" انسانی است. من خود در باز خوانی برخی از این "بهشتی نگاشته‌ها" و تماشای روح متعالی جاری در کلمات شهیدان، در جان خویش شوقی و شوری احساس کردم که امیدم را به مانایی "جمهوری اسلامی" صد چندان کرد. من در کلمات برادران مجاهد افغانی ام روح ایمان را دیدم و اوج باور مومنانه را. من در هیبت دشمن کش این مجاهدان شکوه بت شکنی را دیدم. من شهیدی را دیدم که "اوج اخلاص" خود را فریاد می‌زد تا دنیا بداند جوان افغانی، با همه غیرتش برای دفاع از ایران خود را از هزاران کیلومتر فاصله از کشوری دیگر به جبهه می‌رساند تا دنیا بداند، مسلمانی، معنایی چنین پرشکوه دارد. من

خواندم که حتی جنازه شهید هم می‌خواست همه بدانند یک افغانی شهید دفاع از "وطن اسلامی" شده است. من باور دارم اینکه تابوت شهید از خودرویی است. که او را برمی گرداند تا گمنام دفن شود - می‌افتد صرفاً یک اتفاق نیست در جهانی که یک برگ بی‌اذن صانع حکیم از درخت نمی‌افتد، این "افتادن" تابوت برای این است که یک "خبر" برخیزد، خبر شهادت یک جوان افغانستان در دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی، در دفاع از دین خدا. در دفاع از آزادی جهانی، در دفاع از باور "ارض الله" و "تفسیر" هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ" و روشن است پاسخ این عشق و جهاد و شهادت در محضر حضرت کریم غفور "أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ... غُفُورٌ رَحِيمٌ" خواهد بود. باری شهیدان جهان وطن را باید شناخت باید از دریچه نگاه مقدس آنان به جهان نگاه کرد که در کلام رسول الله (ص) به بلوغ رسیده است که «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». آنان "هل من ناصر ينصرني" سید الشهداء را از کربلای ایران شنیدند و خود را به سرزمین تکلیف رساندند و بر مدار وظیفه به شهادت رسیدند چنانکه مجاهدانی از ایران نیز در جستجوی شهادت در افغانستان، شهد نوش لطف خدا شدند. آری در باور شهادت، خطوط کاغذی مرزی نمی‌تواند انسان را از انجام تکلیف دور کند. آنان آمدند، جنگیدند و به شهادت رسیدند تا به ما و همه انسان‌ها این درس را بازگویند که نه فقط در برابر "دار" که در برابر "جار" هم تکلیف داریم و گاه "الجارثم الدار" می‌شود و دفاع از "جار" را مقدم می‌کند و شهیدان افغانستانی با دریافت این پیام متعالی، حتی در زمان هجوم ارتش سرخ به کشورشان دفاع از ایران را اولویت دینی و راهبردی خود یافتند و با عمل به آن با شهادت به جاودانگی رسیدند و امروز نیز این کتاب باز است در سوریه، در عراق، در یمن، در لبنان، در فلسطین و... هر جایی ندای یاللمسلمین بلند است. کتاب باز است، حدیث بازهم "حدیث" می‌شود، هل من ناصر به گوش می‌رسد و "درباغ شهادت باز باز است". پس هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله... پس بسم الله الرحمن الرحيم...